



شیخ بهایی فقیهی عالم‌پرور و از بزرگ‌ترین عالمان شیعی در کثرت اجازات بود

کتاب «الوجیزه» شیخ بهایی اثری مهم در حوزه اصول فقه و دانش رجال و درایه به شمار می‌آید و به‌عنوان یک متن درسی مورد توجه قرار گرفته است؛ همچنین در حوزه اجازات و تربیت شاگرد، شیخ بهایی از جمله پرشمارترین عالمان شیعی از جهت کثرت اجازات به‌شمار می‌رود.

کتاب «الوجیزه» شیخ بهایی اثری مهم در حوزه اصول فقه و دانش رجال و درایه به شمار می‌آید و به‌عنوان یک متن درسی مورد توجه قرار گرفته است؛ همچنین در حوزه اجازات و تربیت شاگرد، شیخ بهایی از جمله پرشمارترین عالمان شیعی از جهت کثرت اجازات به‌شمار می‌رود.

محمدکاظم رحمتی، عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام، محمدکاظم رحمتی، عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) اظهار کرد: بهاءالدین محمد بن حسین عاملی، از عالمان شیعه و متولد در شهر بعلبک لبنان در سال 957 قمری است. در آن زمان میان دو دولت صفوی و عثمانی منازعاتی درگرفته بود و این منازعات به اوج خود رسیده بود.

رحمتی با اشاره به شکست‌های پی در پی ایران در مقابل عثمانی خاطرنشان کرد: از آنجا که دولت صفوی به جهت ضعف در مقابل دولت عثمانی دچار شکست‌هایی شده بود، این مطلب منجر به حساسیت دولت عثمانی نسبت به فعالیت‌های جوامع شیعی ساکن در قلمرو دولت و حکومت خود شده بود.

وی افزود: پدر شیخ بهایی در این سال‌ها به‌همراه مشهورترین فقیه آن زمان یعنی شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی در بعلبک به کار تدریس و تألیف کتاب مشغول بود و به‌همراه شهید ثانی کتاب‌های حدیثی و رجالی را مقابله می‌کردند که از جمله آنها نسخه‌ای از «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی بود که در مدت اقامت نزدیک به دو سال که شهید ثانی و حسین بن عبدالصمد در بعلبک داشتند، این کتاب را با کمک هم با نسخه خطی کهنی که در اختیارشان بود، با یکدیگر مقابله کردند.

عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام با اشاره به اتفاقات سال‌های 954 و 955 قمری در شهر بعلبک عنوان کرد: با توجه به شرایط خاص شهر بعلبک در آن زمان، حسین بن عبدالصمد و شهید ثانی و دیگر عالمان شیعه که همراه شهید در مدرسه «نوریه» به تدریس و تحقیق اشتغال داشتند، مجبور به ترک آن شهر شدند.

رحمتی با تأکید بر این‌که در خصوص علت مهاجرت علما از شهر بعلبک مطالب صحیح و کاملی در دست نیست، تصریح کرد: به نظر می‌رسد که این قضیه مرتبط با منازعات سیاسی و نظامی میان صفویه و عثمانی و حساسیت‌های شدید نسبت به شیعیان ساکن در قلمرو عثمانی بوده است.

این محقق و تاریخ‌پژوه در ادامه عنوان کرد: حسین بن عبدالصمد، پدر شیخ بهایی از شهید ثانی جدا می‌شود و به عراق مهاجرت می‌کند و ظاهراً از آنجا که برخی از اقوام و خویشان وی در کربلا یا نجف سکونت داشتند، حسین بن عبدالصمد به نزد ایشان می‌رود و شیخ بهایی چند سال از دوران کودکی خود را در نجف یا کربلا سپری کرده است.

عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام با بیان این‌که اشاره مشخص و روشنی در آثار شیخ بهایی در رابطه با سفر و دوران اقامتش در عراق نیامده است، گفت: شواهد تاریخی فراوانی در دست است که حسین بن عبدالصمد تا سال 960 قمری در عراق و در یکی از دو شهر کربلا یا نجف سکونت داشته است.

وی با اشاره به ادامه یافتن مشکلات برای خانواده شیخ بهایی در عراق عنوان کرد: هنگامی که یکی از شاگردان پدر شیخ بهایی با او به مشکلی برمی‌خورد، حسین بن عبدالصمد مجبور به ترك عراق می‌شود و همراه خانواده و خویشاوندانش به ایران مهاجرت می‌کند و در نوروز سال 961 قمری به همراه خانواده در اصفهان ساکن می‌شود.

رحمتی افزود: پس از این سال شیخ بهایی که بیشتر در کنار پدر بوده به تعلیماتی نزد وی می‌پردازد، به‌طوری که بیشترین تعلیمات شیخ بهایی از پدرش بوده است. شیخ بهایی در اجازات و اسانید روایی که در آثار خود نقل می‌کند، از پدرش به‌عنوان نخستین معلم و کسی که بیشترین تعلیمات را از او گرفته یاد می‌کند. با توجه به تبحر حسین بن عبدالصمد در دانش فقه، اصول و رجال داشته، طبیعی است که شیخ بهایی در تمام این سال‌ها این دانش‌ها را از پدر خود فراگرفته باشد.

این محقق و تاریخ‌پژوه در ادامه اظهار کرد: در همین روزگاران بود که شاه طهماسب بعد از باخبر شدن از اوضاع و احوال خانواده شیخ بهایی تصمیم می‌گیرد حسین بن عبدالصمد که بزرگ‌ترین فقیه شیعه بوده را از اصفهان به پایتخت خود قزوین فراخواند و منصب شیخ‌الاسلامی را به وی بسپارد.

عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام عنوان کرد: البته پس از مدتی حسین بن عبدالصمد به دلایلی به شیخ‌الاسلامی مشهد و هرات منصوب می‌شود، اما شیخ بهایی در همین سال‌ها در قزوین باقی مانده و به تحصیلات خود ادامه داده است.

وی با اشاره به ازدواج شیخ بهایی با دختر شیخ علی بن هلال منشار کرکی خاطرنشان کرد: ظاهراً شیخ بهایی پس از این ازدواج بیشتر ایام عمر خود را در اصفهان گذرانده باشد، هرچند که هنوز در سال‌شمار زندگی شیخ بهایی ابهامات زیادی وجود دارد.

این محقق و پژوهشگر افزود: بعد از درگذشت شیخ علی بن منشار کرکی، شیخ بهایی به مقام شیخ‌الاسلامی اصفهان منصوب می‌شود، که البته هنوز اصفهان پایتخت حکومت صفوی نشده است و در زمان شاه عباس اول پایتخت حکومت صفویه می‌شود. در این سال‌ها شیخ بهایی به تدریس و کتابت برخی از آثار و دادن اجازات به برخی از شاگردان خود می‌پردازد.

رحمتی با بیان این که مهم‌ترین حادثه در زندگی شیخ بهایی قبل از پایتختی اصفهان، سفر مشهور وی به حجاز در سال 991 قمری است، اضافه کرد: شیخ مدتی را در قلمرو دولت‌های اسلامی به گشت‌وگذار و دیدار با عالمان مسلمان سپری کرده و در مصر با فقیهان برجسته شافعی ارتباط داشته است. وی سپس به بیت‌المقدس و شهرهای حلب و غامد رفته و از طریق شهر تبریز مجدداً به ایران بازگشته و در اصفهان رحل اقامت افکنده است.

عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام با اشاره به منصب و مقام شیخ‌الاسلامی اصفهان شیخ بهایی عنوان کرد: در دوران شاه عباس اول، با توجه به این که شیخ بهایی به مقام شیخ‌الاسلامی اصفهان منسوب می‌شود، شهرت خاصی پیدا می‌کند و تعداد شاگردان وی رو به فزونی می‌گذارد.

وی افزود: شیخ بهایی آثار متعددی تألیف کرده که به دلیل تصدی امور اجتماعی و درگیری در امر آموزش آثاری ناتمام هستند، به‌عنوان مثال می‌توان به کتاب «حبل المتین فی احکام احکام الدین» که اثری مفصل در حوزه فقه، حدیث و رجال است، اما متأسفانه ناتمام مانده است، اشاره کرد.

رحمتی با بیان این که در حوزه اصول فقه و دانش رجال و درایه، کتاب «الوجیزه» شیخ بهایی يك اثر مهم به‌شمار می‌آید که به‌عنوان يك متن درسی مورد توجه قرار گرفته است، اظهار کرد: در حوزه اجازات و تربیت شاگرد، شیخ بهایی از جمله پرشمارترین عالمان شیعی از جهت کثرت اجازات به‌شمار می‌رود که ساخت و محتوای ادبی اجازات شیخ بهایی نیز مورد توجه و جالب است و نکات خاص ادبی در آن مشاهده می‌شود.

این محقق و تاریخ‌پژوه با تأکید بر این که آثار به‌دست رسیده از شیخ بهایی، تبحر وی را در علوم اسلامی به‌وضوح نشان می‌دهد، خاطرنشان کرد: کتاب «ککشول» شیخ بهایی که مجموعه‌ای تدوین شده از برخی از آثار شیخ بهایی است، در حقیقت آینه تمام‌نمای فضای اجتماعی و ادبی آن عصر بوده است.

عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام ادامه داد: شیخ با برخی از شاعران معاصر خود نیز در ارتباط بوده و کسانی چون «فصیحی هروی» قصائدی در مدح شیخ سروده‌اند که این نکته مورد توجه استاد شفیعی کدکنی قرار گرفته و در مقاله‌ای کوتاه اما پربار به این موضوع اشاره کرده‌اند.